

صفحه یک 1185

2 مرداد، 1403 - 16:20 dehghani



استفاده از فرصت رسانه در تبلیغ شعائر حسینی

محمد ملک زاده

ظهور و گسترش اشکال جدید رسانه در چند دهه اخیر را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین نمادهای تحول جهانی دانست که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... به همراه داشته است. این پدیده به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای تمدن جدید، واجد محاسن و معایب فراوان می‌باشد که به نحوه استفاده از آن ارتباط دارد. بدیهی است دشمنان اسلام از این پدیده در راستای مقابله با فرهنگ اسلامی بهره می‌برند؛ اما در مقابل، جبهه اسلامی این فرصت را در اختیار دارد تا از این پدیده و اشکال نوظهور آن در راستای تبلیغ دین و معارف اسلامی بهره گیرد. یکی از جنبه‌های تبلیغی به ویژه در ایام سوگواری امام حسین (علیه السلام) شناساندن محرم و اهداف قیام عاشورا به دنیاست. همچنان که امامان معصوم هم در گفتار و هم در رفتار خود با استفاده از رسانه‌های مختلف زمان خویش در هر فرصتی برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره رشادت‌های حضرت سیدالشهداء و اصحاب بزرگوارش و تبیین اهداف قیام عاشورا بهره می‌گرفتند. امروز جبهه انقلاب موظف است از طریق رسانه‌های مختلف اجتماعی، ابعاد مختلف قیام عاشورا را برای جهانیان تبیین نموده و از این طریق، فرهنگ ناب اسلامی را تبلیغ نماید. به عنوان مثال یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه در این زمینه، معرفی اهداف قیام حسینی است. باید تبیین نمود که حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه حق و اجرای احکام شریعت و امر به معروف و نهی از منکر بود. از این رو امام حسین علیه السلام فرمودند: «اِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْاِصْلَاحِ فِی اُمَّةٍ جَدِّیْ اَرِیدُ اَنْ اَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَیْ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ قیام من برای اصلاح امت جدم و اقامه امر به معروف و نهی از منکر است». تبیین چنین اهدافی در واقع تداوم بخشیدن به راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران الهی است که با هدف اقامه قسط و ایجاد حکومت و نظام الهی در میان قوم خود مبعوث گردیدند. یکی دیگر از ابعاد مهم واقعه عاشورا که باید از طریق رسانه‌های مختلف از جمله رسانه منابر و خطابه به تبیین آن پرداخت، ابعاد سیاسی این نهضت است. در طور تاریخ اسلام، دشمنان اسلام و اهل بیت به دلیل ابعاد سیاسی عاشورا همواره نگران برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) بوده‌اند و برخی حاکمان مستبد مانند متوکل عباسی، سخت‌گیری‌های شدیدی نسبت به زائرین قبر امام حسین (علیه السلام) اعمال می‌کردند. این مطلب نشان‌دهنده تأثیرات ابعاد سیاسی این حرکت در جوامع مختلف و ترس دشمنان اهل بیت از الگو گرفتن عزاداران از این واقعه است. عدم توجه به بُعد سیاسی واقعه عاشورا و دور نگه داشتن این مراسم از وقایع سیاسی هر عصر، مطلوب دشمنان اسلام است. برگزاری مراسم صرفاً عاطفی و غیرسیاسی، خطری برای دشمنان ندارد و چنین عزاداری‌هایی مطلوب اهل بیت علیهم السلام هم نیست. سید بن طاووس در کتاب لهوف روایتی را نقل می‌کند که در آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد مدینه داستان شهادت امام حسین علیه السلام را برای مردم تعریف می‌کردند. همه شروع به گریه کردند، پیامبر فرمودند: اَبِکُونَهُ وَ لَا تَنْصُرُونَهُ؟! ... آیا برایش گریه می‌کنید و یاری‌اش نمی‌دهید؟! رویکرد سکولاری به مراسم عزاداری، خواسته دشمنان اسلام است. به تعبیری می‌توان گفت در هیئتی که دغدغه حفظ نظام اسلامی و اقامه امر به معروف و نهی از منکر و نفی طواغیت زمانه که مصادیق امروزی آن مبارزه با آمریکا و صهیونیسم جهانی است وجود نداشته باشد، گویا واقعیت عاشورا را درک نکرده است. اینها را باید در رسانه‌ها تبیین و بر ابعاد سیاسی واقعه عاشورا تأکید کرد. یکی دیگر از پیام‌های عاشورا که باید در رسانه‌های اجتماعی تبیین شود، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر است. الگوی حادثه عاشورا و شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) و خاندان و یاران قهرمانش، بهترین سرمایه برای کل تاریخ بشریت است تا پیروزی و افتخار را نصیب اهل حق نماید. به فرموده قرآن کریم اگر چه ممکن است باطل مانند کفی بر روی آب در کوتاه زمانی با هیاهوی تبلیغاتی خود جولان داده و افکار عمومی را در دست گیرد و حق‌طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع گرفتاری‌ها کند؛ اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق‌طلبان خواهد بود. مواجهه مظلومان غزه با رژیم صهیونیستی که به

مسئله امروز جهان اسلام تبدیل شده، مصداق همین آیه و تمثیلی از واقعه عاشورا است. نهایت اینکه دشمنان اسلام هرگز بیکار نمی‌نشینند و از هر فرصتی از جمله انبوه رسانه‌های خود بهره می‌گیرند تا واقعیت عاشورا را وارونه جلوه دهند؛ اما جریان اسلامی نیز می‌تواند از همین فرصتی که رسانه‌ها در اختیار ما قرار داده‌اند، برای خنثی‌سازی تبلیغات مسموم دشمنان استفاده کنند. بزرگداشت صحیح و پرشور واقعه کربلا در این ایام، ظرفیتی بی‌نظیر برای خنثی نمودن توطئه دشمنان و مقابله با جنگ نرم آنان علیه مکتب تشیع فراهم نموده است. به فرموده امام راحل، نهضت ما و عقاید راستین اسلامی، به زنده نگهداشتن محرم و صفر وابسته است. این ایام، فرصتی بی‌نظیر در اختیار تمام آزادی‌خواهان و عدالت‌جویان قرار داده تا با یادآوری اهداف واقعی این نهضت، درس ظلم‌ستیزی و مقاومت در برابر ظالمان و ستمگران را از طریق رسانه‌های اجتماعی ترویج نمایند. عزاداری و سوگواری به دور از افراط‌ها و تفریط‌ها و پرهیز از سنت‌های غلط، و بازتاب آن در رسانه‌های جمعی، بهترین راه برای خنثی نمودن توطئه دشمنان است؛ بنابراین تمام صاحبان رسانه از جمله مبلغان دینی، وعاظ و خطبای اسلام و سایر اقشاری که به هر طریقی رسانه‌ای در اختیار دارند باید از این فرصت برای زدودن زنگارهای انحراف و بدعت از چهره مراسم حسینی نهایت استفاده را ببرند و با هجمه رسانه‌های معاند، مقابله کنند.

غلبه رویکرد مشارکت بر تحریم

علیرضا قاسمی

حضور پرشور مردم در انتخابات و غلبه رویکرد «مشارکت» بر «تحریم» از جمله ویژگی‌های انتخابات ۱۴۰۳ بود. اهمیت این مسئله آنجا پر رنگ می‌شود که سلطنت‌طلبان، تجزیه‌طلبان و... به همراه شبکه صهیونیستی اینترنت‌نشنال، بی‌بی‌سی فارسی و... با نسخه‌نویسی سرویس‌های اطلاعاتی برخی از کشورها، به دنبال شرکت نکردن مردم در انتخابات بودند. از این رو در سه انتخابات اخیر، تمام توان خود را به کار گرفتند تا مردم را نسبت به مردم‌سالاری دینی دل‌سرد کنند. حماسه مردم در انتخابات ریاست جمهوری، خط بطلانی بر سال‌ها فعالیت محور شیطان‌ی بود، از این رو نکاتی مورد توجه است: ۱. مروری بر رفتار دشمنان نظام اسلامی نشان می‌دهد «مشارکت» اهمیت بسزایی در بالا بردن جایگاه کشور در نظام بین‌الملل دارد و این اتفاق مهم از دل انتخابات اخیر بیرون آمد. از این رو نباید از نقش رهبری معظم انقلاب اسلامی و تأکیدات ایشان بر مشارکت غافل شد. این انتخابات برای غرب، شکست تمام عیار بود که در یک کارزار دیگری از جمهوری اسلامی ایران شکست خوردند. لیبک امت بر امام به واسطه حضور ۵۰ درصدی در انتخابات، پایان سیاست تحریم حضور بود که در اتاق فکر دشمن طراحی شده بود. ۲. انتظار می‌رود دولت چهاردهم با حل مشکلات اقتصادی کشور و توجه ویژه به میدان جنگ نرم، دیگر اجازه کنشگری فعال بر محور عبیری - غربی برای طراحی سیاست «دل‌سرد کردن مردم» به بهانه اقتصاد و معیشت را ندهد. تجربه دوران دولت یازدهم و دوازدهم نشان می‌دهد، معطل کردن اقتصاد کشور به واسطه مذاکره و در نتیجه ایجاد دوگانه‌های مخرب مذاکره - معیشت و موشک - برجام و... می‌تواند دشمن را در رسیدن به سیاست‌های خود کمک کند؛ بنابراین، باید از همان روزهای آغازین دولت، اجازه گرفتار شدن کشور به این وضعیت را نداد.

۳. ادامه راه شهید آیت‌الله دکتر رئیسی و در نتیجه تکمیل کردن مسیرهای پیموده شده در دولت سیزدهم، به ویژه در سیاست خارجی و تقویت اقتصاد داخلی می‌تواند در مرحله اول، دولت چهاردهم را به دولت عمل‌گرا تبدیل کند و در مرحله دوم نیز مردم آثار آن را به خوبی لمس کنند؛ بنابراین، امروز وضعیت کشور برخلاف دولت رئیسی، برای دولت پزشکیان هموار است تا بتواند در مدت کوتاهی کشور را به مرحله‌ای از توسعه و پیشرفت همه‌جانبه برساند. واقعیت امر آن است که چالش‌هایی که در زمان آیت‌الله رئیسی در سال ۱۴۰۰ در کشور وجود داشت، در سال ۱۴۰۳ دیگر وجود ندارد یا به مراتب تقلیل داده شده است. امیدواریم دولت آتی، دولت خدمتگزار و موفق برای همه مردم، نه فقط یک جناح خاص باشد.

اصلاح‌طلبان؛ شکست پنهان، پیروزی آشکار

عبدالله گنجی

بالاخره اصلاح‌طلبان بدون چون و چرا و با همه وجود وارد صحنه انتخابات شدند و در یک رقابت واقعی، وزن اجتماعی‌شان روشن شد. اصولگرایان در سال‌های ۷۶، ۸۰، ۹۲ و ۹۶ طعم شکست را چشیدند و هیچ تصویری «فرامن» از خود ارائه نمی‌کنند. چون خود را بخشی از نظام می‌دانند و ادای اپوزیسیون‌نمایی در نمی‌آورند. مدیریت حکیمانه نظام، این دوره اصلاح‌طلبان را به درون کشاند و بسیاری از مدعیات آنان باطل شد. درست است که آنان از لحاظ حقوقی با ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار رأی پیروز انتخابات هستند؛ اما این پیروزی از جهت ثبت تاریخی برای آنان از شکست سنگین‌تر است. آنان هوشمندانه رصد می‌کردند تا هیچ‌گاه از مردم شکست نخورند و علت مشارکت پایین در سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ را نه فقط به عملکرد دولت منتسب به خود ارجاع نمی‌دادند؛ بلکه علت مشارکت پایین را عدم حضور کاندیداهای اختصاصی خود در صحنه می‌دانستند و در سال ۱۴۰۲ برای فرار از شکست، به کاندیداهای سراسر کشور زنگ می‌زدند که به نام اصلاحات کاندیدا نشوید. آنان باوری تولید کرده بودند که ملت با ماست. با ما شرکت می‌کند و با ما شرکت نمی‌کند. خاتمی می‌گوید در ۱۴۰۲ در کنار ۶۰ درصد ایستاده است. حال معلوم شد آن ۶۰ درصد اصلاً کنار خاتمی نایستاده‌اند. اصلاح‌طلبان دولت تشکیل می‌دهند؛ اما آن هیمنه پنبه‌ای فرو ریخت. خاتمی، ظریف، روحانی، آذری جهرمی، نهضت آزادی، علیرضا رجایی، زیدآبادی، صمیمی، خانواده تاج‌زاده، محقق داماد و همه و همه آمدند تا پایین‌ترین درصد رأی یک رئیس‌جمهور در تاریخ ۴۵ ساله جمهوری اسلامی را به آقای پزشکیان بدهند. اگرچه معتقدم آنان هیچ تأثیری نداشتند و این رأی هم مدیون مرام خود پزشکیان است. اکنون اصلاح‌طلبان صاحب پایین‌ترین رأی یک

رئیس‌جمهور در کشورند. حتی نتوانستند رأی رئیس‌جمهور عاریتی خود؛ یعنی روحانی را احیا کنند و مسن‌ترین کاندیدای تاریخ انقلاب نیز از آنان است. اکنون ۷۴ درصد ملت به آنان «نه» گفته‌اند و این وزن واقعی فقط در چنین شرایطی شفاف می‌شد. اپوزیسیون‌نماها دیگر نمی‌توانند بگویند آن ۵۰ درصد که مشارکت نکردند، با ما هستند؛ زیرا شما التماس کرده‌اید، وحشت‌آفرینی کرده‌اید، با شعار «برای ایران» از جمهوری اسلامی برائت جسته‌اید؛ اما وقتی به شما گذاشته نشد. بعد از شکست سنگین اجتماعی، شکست گفتمانی نیز رقم خورد. آیا کسانی که دنبال رأی برای پزشک‌ها بودند همان‌هایی هستند که در جمع ۴۰ نفر در سال ۱۴۰۰ تاج‌زاده را نفر سوم انتخاب و پزشک‌ها را ندیدند؟ نظریه‌پردازهای ضد اسلام سیاسی، مفسران یک‌سالاری از ولایت فقیه، مبلغان انتخابات آزاد و همه‌پرسی و مرزسازان با نظام دینی، یک مرتبه همه مدعیات سه دهه خود را به رودخانه ریختند و تصاحب قدرت، دروغین بودن همه آن باورها را اثبات نمود. خاتمی یا ظریف واقعاً فکر می‌کردند ملت ایران قامت آنان را با همه وجود نظاره‌گر است، حال معلوم شد این‌ها اگر سهمی هم داشته‌اند زیر سقف ۲۶ درصد واجدین شرایط است. اکنون سکولارهای ضد ایدئولوژی باید نهج‌البلاغه بخوانند. مفسران یک‌سالاری، از ولایت فقیه باید به دستور پزشک‌ها سیاست‌های کلی نظام را دنبال نمایند. مدعیان «مردم همیشه با ما هستند» باید برای رضایت ۵۰ درصد مردم تلاش کنند و این تلاش اکنون در درون قدرت است و نمی‌توانند بر عرشه «اصلاحات جامعه‌محور» اپوزیسیون‌نمایی را بفروشند. تله وزن‌کشی اصلاحات به بهترین شیوه کار کرد و البته مگر این جماعت غریبه‌ی نظام، از رو می‌روند؟ در این انتخابات، نه آنان از تقلب سخن گفتند و نه ما طراحان انقلاب رنگی را دیدیم، همه چیز بر وفق مرادشان بود تا نظام جمهوری اسلامی آنان را به تله خودشناسی بکشاند و اسطوره‌های اجتماعی‌شان جای خود را مجدداً بشناسند.

البته، چون ما مانند آنان روشنفکر اپوزیسیون‌نما نیستیم، نمی‌توانیم منشی آنان با رئیسی را دنبال کنیم. ما هرگز پزشک‌ها را «رئیس‌جمهور پایین‌ترین اقلیت تاریخ جمهوری اسلامی» خطاب نخواهیم کرد. هشتگ دولت علیل و دولت انتصابی نخواهیم زد. ما حتماً به او کمک خواهیم کرد. عمل مثبت او را در سید نظام می‌دانیم. آنچه وظیفه ماست، نورتابانی بر دخمه سکولارهای خودشیفته است که ما آنان را مصادیق ناهلان و نامحرمان انقلاب اسلامی می‌دانیم و آرشیوهای آنان را به میدان روشنایی منتقل خواهیم کرد. تردیدی نیست که آنان از پزشک‌ها عبور خواهند کرد و آن روز فرا خواهد رسید؛ زیرا روشنفکر سکولار نمی‌تواند هم درون قدرت، کلاه جمهوری اسلامی سرش باشد، هم بگوید، برای «ایران انتزاعی» هستیم و همچنان فکر کند که می‌شود سر مردم کلاه گذاشت. از عوامل اصلی مشارکت پایین، فرچه‌های سیاه نمای این جماعت است. حال می‌خواستند خود را سفید نشان دهند و در قبال تابلو نظام که سیاه کرده‌اند، سکوت کنند. هر قدر گفتند ما با نظام متفاوت هستیم ۷۴ درصد نپذیرفتند.

دسته بندی مطالب:

[صفحه اول](#) [1]

نشانی

منبع: <https://www.partosokhan.ir/content/%D8%B5%D9%81%D8%AD%D9%87-%DB%8C%DA%A9-1185?page=17>

پیوندها

<https://www.partosokhan.ir/taxonomy/term/73> [1]